

عنوان مقاله:

تحلیل شناختی استعاره‌های عشق و غم در غزلیات شهریار

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات زبان و گویش های غرب ایران، دوره 3، شماره 13 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

عظیم جباره ناصرو - استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه جهرم

پریچهر کوهنورد - کارشناسارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه جهرم

خلاصه مقاله:

نظریه استعاره مفهومی در سال‌های اخیر، نگرش جدیدی از استعاره را مطرح کرده است و آن را از سطح صنعتی ادبی و بلاغی، به شکل ابزاری برای شناخت و تفکر تبدیل کرده است. پژوهش حاضر با بررسی استعاره‌های حوزه مفهومی عواطف، به بازنمود استعاره‌های «غم» و «عشق» در غزلیات محمدحسین شهریار پرداخته است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و هدف از آن دستیابی به الگویی شناختی از مفهوم‌سازی غم و عشق در این اشعار است تا بتوان در این راستا به ویژگی‌های زبانی و فرهنگی شاعر دست یافت و ارتباط استعاره با نظام فکری و اندیشگانی شهریار روشن شود. براساس یافته‌های پژوهش، شهریار برای بیان ویژگی‌های غم و عشق، از حوزه‌های مبدأ مختلفی بهره گرفته است. پرکاربردترین آن‌ها حوزه‌های «اشیاء»، «انسان»، «مکان» و «خوراک» هستند که در موضوعات غم و عشق مشترک‌اند؛ بنابراین احساس غم و عشق در نظام فکری شاعر تا حدود زیادی لمس‌کردنی، چشیدنی، دیدنی و شنیدنی است. بخش دیگری از حوزه‌های مبدأ نیز به صفات انتزاعی اختصاص دارد که غم را درد و رنج، اشتیاق، رمز و راز و آیین می‌داند و عشق را نیز نیک‌بختی، بلا، آیین و افسانه می‌شمارد.

کلمات کلیدی:

استعاره مفهومی، عشق، غم، شهریار

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1161270>

